

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵)

سویل ماکویی^۲

چکیده

مطالعه آموزه‌های اخلاقی ایرانیان در تنظیم روابط و رفتار اجتماعی و زیست مبتنی بر اخلاق نقش بسزایی دارد. در منظومه ارزش‌ها و آموزه‌های اخلاقی شاخصه‌های متعددی وجود دارد که هر کدام، بخشی از جامعه اخلاقی را پوشش می‌دهند. در میان این شاخص‌ها، مؤلفه «گذشت» مبنای مهمی در منظومه آموزه‌های اخلاقی محسوب می‌شود. از آنجا که ضرب‌المثل‌ها نقش مهمی در بازنمایی فرهنگی ایفا می‌کنند، در این مقاله، به ضرب‌المثل‌های مربوط به واژه «گذشت» پرداخته شده است. برای این منظور، چهار سطح بررسی در نظر گرفته شده است؛ از منظر فضیلت، امر اجتماعی، پیشرفت و فرهنگ، معانی مورد نظر، احصا و گذشت در قالب «فضیلت محور بودن»، «امر اجتماعی بودن»، «به مثابه پیشرفت» و «فرهنگ» تحلیل شده است. مطالعه مثل‌های مربوط به مفهوم گذشت نشان می‌دهد که فراوانی این مفهوم در امر اجتماعی بودن و پس از آن، در محور فضیلت‌مندی، از فراوانی بیشتری برخوردار است و با فاصله‌ای معنادار نیز امر فرهنگی و پیشرفت قرار دارند. روش به کار رفته در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. برای این منظور، بیش از یکصد هزار ضرب‌المثل (از طریق نمایه) با انتخاب معیار توصیف، یعنی گذشت و مفاهیم پیرامونی آن، بررسی شده و بر اساس چهار معیار فضیلت، امر اجتماعی، ویژگی فرهنگی و معیار پیشرفت مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: آموزه‌های اخلاقی، گذشت، فضیلت، فرهنگ، امر اجتماعی، ضرب‌المثل

۱. این مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «آموزه‌های اخلاقی گذشت و وفای به عهد در ضرب‌المثل‌های ایرانی» است که برای مرکز تحقیقات صداوسیما در سال ۱۳۹۸ انجام گرفته است.

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما. رایانامه:

۱. مقدمه

رعایت اخلاق و آموزه‌های آن، اساس روابط میان افراد جامعه و شاخصه زندگی اجتماعی است. اخلاقیات؛ نظم، امنیت، آرامش، انسجام و همبستگی اجتماعی را پدید می‌آورند و حضور پررنگ و قدرتمند آنها کارویژه‌های اجتماعی را ارتقا می‌دهد. بدون آموزه‌های اخلاقی، پویایی و پایایی اجتماعی، دچار اختلال و دورنمای جامعه، تیره و تار می‌شود. علاوه بر جنبه‌های اجتماعی، آموزه‌های اخلاقی، ابعاد فردی نیز دارند و بر تک تک افراد جامعه تأثیر می‌گذارند چنان که در نهایت، سبب ایجاد ثبات شخصیت، ارتقای کیفیت زندگی افراد جامعه، پویایی و نشاط اجتماعی و به دنبال آن، توسعه و پیشرفت می‌شوند؛ به همین دلیل نیز در واقع، نوعی تکلیف اخلاقی اجتماعی هستند؛ احسان و نیکوکاری، برادری، استقامت و پایداری، اعتدال و میانه‌روی، امانت و درستی، انفاق، گذشت و بخشش، ایثار و فداکاری، نیکی، خوشرویی، تقوی و پرهیزکاری، تواضع و تکریم، توکل و اعتماد به خدا، جهاد و پیکار، حکمت و فرزاندگی، فروتنی، پاکدلی، امیدواری، شکرگزاری، معاشرت، صبر و شکیبایی، صدق و راستی، مهمان‌نوازی، عدل و داد، پاکدامنی، علم و دانش، عمل صالح، رستگاری، دادگری و وفای به عهد، از اخلاقیات متداول در جوامع هستند و کسی را نمی‌توان یافت که در تأثیر اجتماعی و فردی یکی از این ستون‌های اخلاقی دچار تردید باشد.

در فرهنگ مردم ایران، وجوه مختلف ارزش‌های اخلاقی به وفور دیده می‌شود چنان که اغلب آنها در قصه‌ها، مثل‌ها، ترانه‌ها و آیین‌ها بازنمایی شده‌اند. در واقع، سازه فرهنگی - تمدنی ایران بر اساس این آموزه‌های اخلاقی بنا شده است و طبیعی است که جامعه ایرانی بیش از سایر جوامع، مراقب این ارزش‌ها و نگران فرارز و فرودهای آن باشد.

در فرهنگ مردم ایران، گذشت و بخشش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گذشت با مفاهیمی مانند بخشش، عفو، ایثار و فداکاری، نوعی خصوصیت و ویژگی انسانی را به نمایش می‌گذارد که مورد تأیید اجتماع و جامعه است. وجود این «ارزش اخلاقی» در کنار سایر ارزش‌ها مانند صداقت، درستکاری، انصاف، عدالت، راستگویی، یکرنگی،

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۱۷

خیرخواهی و سایر خصایص پسندیده، انسانی کامل را ترسیم می‌کند که با انتخاب شیوه زندگی اخلاق مدار، تلاش دارد تا در جامعه خویش، فردی اخلاقی و ارزشمند باشد.

در میان محورهای مختلف ادبیات شفاهی، مثل‌ها به دلیل کوتاهی و سادگی، بهتر می‌توانند عمق مفهومی خود را آشکار کنند. در واقع، ضرب‌المثل‌ها، عنصر مهم ادب شفاهی‌اند و در گذشته به دلیل کاربرد وسیع‌تری که داشته‌اند نقش مهمی در بازنمایی فرهنگی ایفا می‌کرده‌اند. در این مقاله، ضرب‌المثل‌های مربوط به واژه «گذشت» بررسی شده‌اند تا دریابیم در جامعه ایرانی، این مفهوم به چه صورتی بازنمایی می‌شده است. مطالعه مثل‌های مربوط به مفهوم گذشت نشان می‌دهد که فراوانی این مفهوم در امر اجتماعی بودن و پس از آن، در محور فضیلت‌مندی، از فراوانی بیشتری برخوردار است و با فاصله‌ای معنادار، امر فرهنگی و پیشرفت قرار دارد. روش به کار رفته در این مقاله، تحلیل محتوای کیفی ضرب‌المثل‌های مرتبط به ترتیب زیر بوده است:

۱. انتخاب جامعه پژوهش که در اینجا بیش از یکصد هزار ضرب‌المثل موجود در کتاب «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی»،^۱ است.
۲. انتخاب معیار توصیف که در این پژوهش، مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌هاست.
۳. انتخاب طبقه‌بندی معیار توصیف که در اینجا، چهار معیار فضیلت، امر اجتماعی، ویژگی فرهنگی و پیشرفت در نظر گرفته شده است.
۴. پردازش داده‌ها و جمع‌بندی: در این مرحله داده‌ها تجزیه و تحلیل شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

مقوله اخلاق، حیطه‌ای بسیار وسیع و مورد علاقه پژوهندگان و نویسندگان در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی و ادبیات است. این موضوع، به واسطه ابعاد مختلفی که دارد در شکل‌های مختلف مطالعه شده است. مقاله‌های مرتبط به دو صورت دسته‌بندی

۱. حسن ذوالفقاری (۱۳۸۷). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: نشر علم.

❖ ۱۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌شوند؛ بررسی آموزه‌های اخلاقی به شکل هویتی یا مصداقی در متون دینی، ادبی و متون تعلیمی. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که مطالعه‌ای در زمینه تحلیل مفهومی در ادبیات شفاهی و بویژه ضرب‌المثل‌ها انجام نشده و این آموزه‌ها در صورت دیگر بررسی شده‌اند.

در چند مقاله، انواع آموزه‌های اخلاقی و دینی در آثار مختلف بررسی شده‌اند که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

در مقاله «نسبت‌سنجی هویت جمعی ایرانیان و ارزش‌های اجتماعی» حمید هوشنگی (۱۳۹۷) گویه‌های ارزش‌های اخلاقی در چند مؤلفه بررسی شده‌اند. از میان مؤلفه‌ها و ارزش‌های اخلاقی، مؤلفه «گذشت» نیز سنجیده شده است. بر اساس جدول شماره ۸ این مقاله، ۷/۶ درصد پاسخگویان، سطح میزان «گذشت» در جامعه را در حد «اصلاً»، ۱/۸ درصد «کاملاً»، ۴۲/۹ درصد «خیلی کم» و «کم»، ۳۰/۳ درصد «متوسط» و ۱۷/۳ درصد «زیاد» و «خیلی زیاد» می‌دانند. در مجموع از نظر غالب پاسخگویان، وضعیت رواج گذشت در جامعه مطلوب نیست. همچنین از دیدگاه متغیرهای جدول شماره ۸ بین سن و اعتقاد به رواج گذشت در جامعه رابطه مستقیم برقرار است. به عبارت دیگر، با افزایش سن پاسخگویان، اعتقاد آنان به رواج گذشت در جامعه نیز افزایش می‌یابد؛ در مقابل، رابطه سطح تحصیلات و اعتقاد به میزان رواج گذشت در جامعه معکوس است. در این متغیر، با افزایش میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به رواج این مؤلفه در جامعه نیز کاهش می‌یابد.

در این پیمایش، بالاترین رتبه شاخص‌های دهگانه به ترتیب، به نوع دوستی (۴۰/۴ درصد)، نجابت و شرافت (۴۰ درصد)، قناعت (۳۴/۵ درصد)، وظیفه‌شناسی (۲۹/۴ درصد)، خیرخواهی (۲۳/۳ درصد)، امانتداری (۲۰/۷ درصد)، وفای به عهد (۱۹/۵ درصد)، گذشت (۱۹/۱ درصد)، صداقت و راستگویی (۱۷/۵ درصد) و رعایت انصاف (۱۵/۹ درصد) تعلق داشته است. این پیمایش، سطح پایین اعتقاد به رواج صداقت و راستگویی و انصاف در جامعه را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر، رابطه معکوس میزان تحصیلات پاسخگویان با اعتقاد آنان به میزان رواج ارزش‌های اخلاقی است.

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۱۹

مقاله «اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا (ع)» میرمحمدی (۱۳۹۰) اخلاق نیکو را مد نظر قرار داده و آن را از دیدگاه امام رضا (ع) بررسی کرده است. در این مقاله، اخلاق نیکو، به دو دسته محاسن اخلاقی و مکارم اخلاقی تقسیم و در مورد هر کدام تعاریفی ارائه شده است.

مقاله «بازتاب آموزه‌های اخلاقی نهج‌البلاغه در اشعار و مثل‌های فارسی» سمیه طاطیان (۱۳۹۳) به مثل‌ها، اشعار، پندها و حکمت‌هایی اشاره کرده که مضامین اخلاقی آنها از احادیث، روایات و پندهای نهج‌البلاغه گرفته شده است.

در مقاله حیدرپور و همکاران (۱۳۹۶) به نام «بررسی آموزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی» آموزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی بررسی شده‌اند. نویسندگان، این آموزه‌ها را در آثار مختلف منتشر شده نویسنده معاصر، هوشنگ مرادی کرمانی دنبال کرده‌اند. آموزه‌هایی که در آثار این نویسنده مطالعه شده‌اند، عبارت‌اند از: به‌پاداشتن نماز، مبارزه با خواهش نفس، صدقه و هدیه پنهانی، آموزه‌های اخلاقی مانند اهمیت سلام کردن، احترام به بزرگ‌ترها بویژه پدر و مادر، وجود مهر و محبت در بین اعضای خانواده، قناعت و ساده‌زیستی، پرهیز از بخل و حساست، اعتماد به نفس و بلند همتی، بها دادن و احترام به کودکان و نوجوانان، نکوهش نیرنگ و دغل‌کاری و آموزه‌های اجتماعی مانند عیادت از بیمار، فضیلت مهمان‌نوازی، معاشرت نیک با همسایگان، اهمیت تحصیل و تکریم طالب علم و معلم، لزوم همراهی آموزش با مهربانی و عطف، نقش سختی‌ها در شکوفایی انسان، لزوم داشتن نگرش نو و متفاوت، قدردانی از خویشان و دوستان در زمان حیات و پرهیز از بدگمانی.

در مقاله «آموزه‌های اخلاقی گنج‌شایگان اثری تقلیدی از گلستان» سید مهدی نوریان و مهسا قریشی (۱۳۹۴) به برخی از آموزه‌های اخلاقی در دو محور تعلیم صفات پسندیده و نکوهیده اشاره کرده‌اند. صفاتی همچون: بخشش، توجه به تشنه‌کامان و درویشان، صلا زدن بر بینوایان، برآوردن کام امیدواران، روح‌افزا بودن بخشش، دریغ نکردن نعمت یزدان از خلق، کاسته نشدن مال در اثر سخاوت، بی‌دریغ بخشیدن، انفاق به گرسنگان، بختیاری در دهش نه در هشتن، میزبانی جوانمردان، تهیدست نکردن خویش به سبب بخشش، قناعت و خرسندی، علم و هنر، تدبیر، صبر، بردباری و پاسداشت

❖ ۲۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بزرگان، به عنوان صفات پسندیده و بخل، حرص و طمع، جهل، ظلم، ارتقای فرومایگان، در یوزگی، حسادت، جفاکاری و ناسپاسی، به عنوان صفات نکوهیده در این مقاله آمده‌اند. در بررسی نویسندگان مشخص شده است که بخشش در کنار قناعت، پس از تدبیر، بیشترین فراوانی را داشته و در کل، بیشترین توجه معطوف به فضیلت‌ها بوده است. در مقاله «آموزه‌های اخلاقی در مثنوی معنوی» علی بورونی (۱۳۸۶) دیدگاه مولوی درباره عقل و نفس آمده و به موضوعاتی همچون نفس اماره، حکمت، یقین و علم اشاره شده است. در این مقاله، نگاه مولوی نسبت به عقل، تبیین و توضیح داده شده است که او عقل را مبنا و پایه اصلی اخلاق و منشأ فضیلت‌ها می‌داند:

ای برادر تو همان اندیشه‌ای مابقی تو استخوان و ریشه‌ای
گر گل است اندیشه تو گلشنی و ر بود خاری تو هیمة گلخنی

در مقاله «خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث» جواد ایروانی (۱۳۸۴) از گذشت، به عنوان مهم‌ترین عنصر قوام‌بخش در ارتباطات میان‌فردی و فضیلتی اخلاقی نام برده شده است. در این اثر دو مقوله عفو و مدارا با یکدیگر و نیز محدوده شدت عمل هر کدام به صورت حفظ اصول و ارزش‌ها، مقابله با دشمنان، برخورد با توطئه‌گران منافق، اجرای حدود الهی و اجرای عدالت و پرداختن به ارزش و جایگاه مدارا و عفو و حوزه دربرگیری آنها بررسی شده است. همچنین عفو، پرتوی از تقوا، زمینه‌ساز آمرزش، محبت و پاداش الهی، برترین مکارم اخلاق و مکمل قانون معرفی شده است.

عقدایی و آریان (۱۳۹۴) در مقاله «نگاهی به برخی آموزه‌های اخلاقی - تعلیمی شهریار»، «آموختن» و لذت «بخشیدن» را دو عنصر متقابل و متعامل در اشعار شهریار خوانده‌اند و برای نشان دادن آنها، مفاهیم تعلیمی و اخلاقی دیوان این شاعر را بررسی کرده‌اند.

در مقاله «مؤلفه‌هایی از اخلاق اجتماعی پیامبر اکرم (ص)» منصور نصیری (۱۳۸۶) به محورهای مختلفی از گفتار و رفتار پیامبر اکرم (ص) و نیز موضوعاتی مانند مسئولیت‌پذیری، کار و تلاش و مقوله‌های اخلاقی مانند خوش اخلاقی، فرو خوردن، خشم، پرهیز از رهبانیت، بی‌تکلفی، وفای به عهد، خیرخواهی، مردم‌داری، مردم‌یاری،

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۲۱

رعایت حقوق مردم، دوست‌یابی و دوست‌داری، خشنود کردن مردم، گذشت و خطاپوشی اشاره کرده است.

مقاله «تجلی قرآنی بایسته‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه» الهه هادیان رسانی و کوثر بصام (۱۳۹۵) اخلاق را در سه دسته الهی، فردی و اجتماعی قرار داده است. در این منظومه، به محورهای مختلفی از اخلاق اجتماعی، نظیر احسان و بخشش و عفو اشاره شده است.

۳. مبانی نظری

در این بخش، خلاصه‌ای مهم از مباحث نظری در زمینه آموزه‌های اخلاقی ارائه خواهد شد. بررسی چارچوب‌های مطالعاتی اخلاق، نسبت اخلاق با مطالعات دینی، اجتماعی و قانون، ارائه رویکردهای مختلف اجتماعی به مفهوم آموزه‌های اخلاقی و بررسی آموزه‌های اخلاقی در فرهنگ مردم ایران، از جمله محورهایی است که در این بخش تحلیل می‌شود.

نظریات اخلاقی در فلسفه اخلاق به سه نوع اصلی تقسیم می‌شوند: نظریه‌های غایت‌گرایانه، وظیفه‌گرایانه و فضیلت‌محور. هر نظریه، موضوعی را مورد تأکید قرار می‌دهد و به دنبال رعایت مقوله‌ای است. عنصر کانونی دیدگاه‌های غایت‌گرا، نتایج و پیامدهای یک عمل است. این دیدگاه بر اساس ماحصل یک رفتار آن را ارزیابی می‌کند. غایت‌گرایی، دیدگاهی است که ملاک داوری اخلاق درباره یک عمل را نتیجه عمل می‌داند. دیدگاه‌های وظیفه‌گرا، مفهوم حقوق را کانون توجه قرار می‌دهند. آنچه برای این نظریات اهمیت دارد، رعایت حقوق انسانی است. هر رفتاری که بیشتر حقوق را رعایت کند، اخلاقی‌تر است. این دیدگاه، ملاک داوری اخلاق درباره یک عمل را ذات عمل می‌داند. نظریه‌های فضیلت‌محور بر مفهوم فضائل انسانی تأکید دارند.

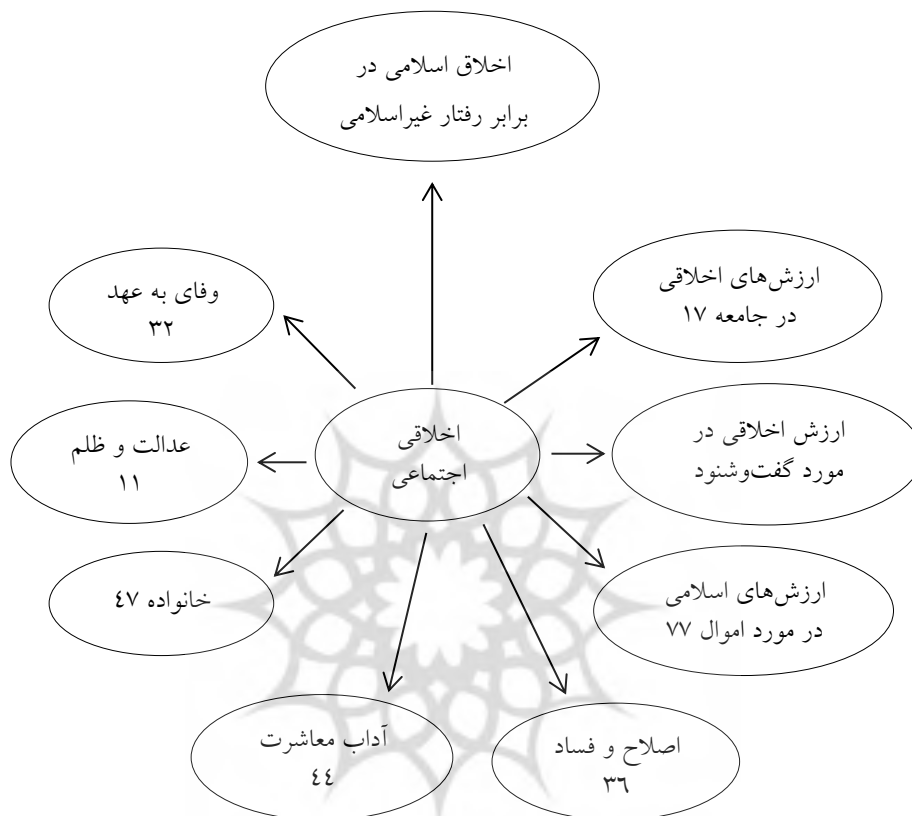
به‌طور کلی، اخلاق با سه موضوع ارتباط نزدیکی دارد: دین، قانون و جامعه. در نگاه دینی، اخلاق امری تکلیفی است؛ در نگاه اجتماعی، امری نتیجه‌محور است و در نهایت در نگاه قانونی، امری حق‌محور شمرده می‌شود. در زیر به این سه محور پرداخته خواهد شد:

۱-۳. اخلاق به مثابه تکلیف (رابطه اخلاق و دین)

برای مطالعه رابطه اخلاق و دین، ضروری است تعریفی تکلیف‌محور از اخلاق مورد توجه باشد. از نظر لغوی، اخلاق یعنی رفتار یا منش‌های انسان مرتبط با تعریف امور خوب و بد و یا تمایز بین درست و غلط و یا خیر و شر. این شکل تعریف در ارتباط با اعمال، کنش‌ها، تمایلات و یا ویژگی‌های انسان در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی، اخلاق به معنای خوبی، مطلوبیت و هماهنگی با استانداردهای اخلاقی و معیار است.

آموزه‌های اخلاقی، مجموعه‌ای از اصول و قواعدی هستند که برای هدایت و کنترل افراد جامعه به کار می‌روند. انسان، موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی نیازمند قوانینی است که سرچشمه الهی داشته باشد تا از جامعیت لازم و کافی برخوردار باشد و با برقراری نظم و عدالت، امکان سعادت و کمال جامعه بشری را فراهم سازد. اخلاق یکی از اجزای سه‌گانه آموزه‌های دینی و اسلامی است که در پیوستگی و هماهنگی با عقاید و احکام، زمینه فعلیت یافتن رشد اخلاقی و تحقق کامل دین را فراهم می‌کند. دین اسلام، مجموعه‌ای از احکام، عقاید و مسائل اخلاقی است که نزول آن، در قالب تعالیم وحی از سوی آفریدگار جهان صورت گرفته است. اگر دین، مجموعه عقاید و دستورالعمل‌های عملی فرستاده‌شده از سوی پروردگار باشد و اخلاق، مجموعه آموزه‌هایی که وظیفه عملی انسان را مشخص می‌کند، رابطه تنگاتنگ اخلاق و دین آشکار می‌شود. مجموع تعالیم دین اسلام در سه بخش جای دارد: الف) عقاید، شامل آن دسته از آموزه‌های دینی است که شناخت صحیحی از آفریدگار، جهان هستی و مبدأ و منتهای آن ارائه می‌دهد و علم کلام یا عقاید به آن می‌پردازد. ب) احکام، شامل تعالیمی است که به انسان می‌آموزد چه کارهایی را باید انجام دهد (واجبات) چه اعمالی را بهتر است انجام دهد (مستحبات) چه کارهایی را نباید انجام دهد (محرمات) چه کارهایی را بهتر است انجام ندهد (مکروهات) و چه کارهایی انجام دادن و ندادنش مساوی است (مباحات) ج) اخلاق، شامل تعالیمی است که خلق و خوی‌های خوب و بد و راه دست یافتن به صفات پسندیده انسانی را بیان می‌کند (شیروانی، ۱۳۷۸: ۱۲). (حسومی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹۸).

نمودار ۱. فراوانی اخلاق اجتماعی در قرآن



۲-۳. اخلاق به مثابه نتیجه (رابطه اخلاق و جامعه):

پژوهش درباره اصول اخلاقی به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. توسعه معنوی، توجه به رشته اخلاقی و صدای عدالت و صدای مراقبت یا حق مالکیت؛ ۲. حق زندگی و در کل میزان اهمیت ارزش‌های عمده و محوری؛ نظام ارزش‌های اخلاقی؛ ۳. میزان اهمیت دادن به ارزش‌های نهایی و پایایی (یا نمایی)؛ حساسیت‌های اخلاقی و ۴. تمیز موضوعات اخلاقی از موضوعات غیراخلاقی؛ رفتار اخلاقی.

همچنین در هر بررسی باید سه بعد مهم (۱) حساسیت اخلاقی (آگاهی اخلاقی) یعنی توانایی تصمیم‌گیرنده برای شناخت مسائل اخلاقی موجود و تفسیر موقعیت و درک آثار رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی (۲) جهت‌گیری یا همان رفتار اخلاقی و (۳) نیت اخلاقی (درجه تعهد در مورد ارزش‌های اخلاقی) سنجیده شود (حاجیان، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

اجتماع، گنجینه‌ای از معانی و مفاهیمی است که در تفسیری نمادین به هم پیوند می‌یابند. اجتماع جایی است که فرد در آن، فرهنگ اجتماعی را می‌آموزد و تجربه می‌کند. افراد واقعیات اجتماعی را از ۴ منبع اخذ می‌کنند؛ (۱) تجربه شخصی، (۲) همسالان (همسن و سالان)، بستگان، و دوستان و...، (۳) دیگر گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و (۴) رسانه‌های جمعی. اخلاق اجتماعی آن دسته از بایدها و نبایدهای غیرالزامی (غیرحقوقی) مربوط به روابط گروهی جمعی است. به عبارت دیگر، به مجموع ارزش‌ها و هنجارهای غیرالزامی رایج و حاکم بر نظام‌های رفتاری جمع، جماعت و جامعه، اخلاق اجتماعی گفته می‌شود. اخلاق خانواده، اخلاق آموزش و تعلیم و تربیت، اخلاق سیاست و قدرت، اخلاق کار و معیشت، اخلاق مراغه و جنگ و صلح در زمره شاخه‌های مهم اخلاق اجتماعی قرار می‌گیرند. اخلاق اجتماعی، یکی از شاخه‌های اصلی در علم اخلاق، در زمره مهم‌ترین مباحث قرآنی و یکی از عالی‌ترین اهداف رسالت انبیا به حساب می‌آید. (هادیان رسنانی و بصام، ۱۳۹۵: ۸۱)

۳-۳. اخلاق به مثابه حق (رابطه اخلاق و قانون):

در بخش مهمی از نظریه‌های اخلاقی و همچنین نظریه‌های عدالت‌محور، مقوله حق نقش کلیدی ایفا می‌کند. در این نظریه‌ها، هر فرد نسبت به دیگران از حق برخوردار است و غایت کنش اخلاقی و استقرار عدالت نیز همانا احقاق حقوق افراد به کامل‌ترین وجه است. به‌طور کلی، حق - حق اخلاقی و نه حق قانونی یک شخص - ادعا و خواستی است که خصوصیت و اهمیت آن را دارد که از جانب همه به رسمیت شناخته شود. حق آزادی (انسان) به‌سان ایده و طرحی پذیرفتنی است؛ ادعا و خواست فردی است که گمان نمی‌رود ناقض ادعا و خواست دیگران باشد. در یک کلام، حق، ادعای معتبر است. برای

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۲۵

مثال، حق مالکیت عبارت از خواست و ادعای پذیرفتنی افراد مبتنی بر استفاده انحصاری شخصی از برخی پدیده‌های طبیعی است. به همین ترتیب، حق آزادی بیان به معنای خواست مشروع افراد مبتنی بر ابراز و اعلام نظر در مجامع عمومی است. بنابراین، می‌توان گفت که از دید بخش مهمی از نظریه‌های اخلاقی و عدالت، غایت کنش اخلاقی و استقرار عدالت، به رسمیت شناختن هرچه دقیق‌تر و کامل‌تر حقوق افراد است. در اینجا اگر حق آن چیزی است که انسان به گونه‌ای معتبر و مشروع ادعا می‌کند و می‌خواهد و تکلیف اجتماعی هرکس و غایت آرمان اجتماعی هر گروه و جامعه به رسمیت شناختن آن است، انسان یا به‌طور طبیعی یا بر مبنای قراردادی بین اعضای جامعه، دارای حق است. حق لغوناشدنی و جزئی از ماهیت و وجود اجتماعی انسان است. بدون برخورداری از آن انسان نخواهد توانست به حیات ادامه دهد یا ارتباطات و کنش‌های اجتماعی خویش با دیگران را پیش برد. از این رو، هر کس از نظر اخلاقی موظف است آن را به رسمیت بشناسد و در راه عینیت یافتن کلی آن در جامعه بکوشد. (محمودیان، ۱۳۸۰: ۱۶۴-۱۶۳)

با این دسته‌بندی و بررسی شقوق مطالعاتی در حوزه اخلاقی، این امکان وجود دارد که رویکردهای مختلف به اخلاق بررسی شود.

۴. بحث و بررسی

۴-۱. رویکردهای مختلف اجتماعی به مفهوم آموزه‌های اخلاقی

به اخلاق و آموزه‌های اخلاقی می‌توان با رویکردهای مختلف اشاره کرد. این رویکردهای مختلف، متأثر از شرایط زیست اجتماعی جوامع، نوع نگاه فرهنگی یا دیدگاه اجتماعی یا نگاه به اخلاق به مثابه نوعی حرکت رو به جلو در جوامع داخلی و بین‌المللی دیده می‌شوند. بر این اساس، اخلاق را می‌توان به مثابه فضیلت؛ امر اجتماعی؛ فرهنگ و در نهایت، پیشرفت مطرح کرد. این رهیافت‌های مختلف، زمینه را برای طرح اخلاق تعلیمی در فرهنگ مردم ایران که محور این گزارش است، فراهم می‌سازند.

۲۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

اخلاق به مثابه فضیلت

ارسطو فضیلت را تنها عامل و وسیله برای تحقق زندگی خوب نمی‌داند؛ بلکه بخش ضروری و اصلی آن معرفی می‌کند. انسانی که با شجاعت، بردباری، بخشندگی، مهربانی، اعتدال و انصاف، با دیگران و امور زندگی برخورد می‌کند، در متن کنش‌ها و رفتار خویش، سعادت و زندگی خوب یا شکوفایی وجود انسانی را تجربه می‌کند.

اخلاق پسندیده عبارت‌اند از: احسان و نیکوکاری، برادری، استقامت و پایداری، اعتدال و میانه‌روی، امانت و درستی، انفاق و بخشش، ایثار و فداکاری، نیکی، خوشرویی، تقوا و پرهیزکاری، تواضع و تکریم، توکل و اعتماد به خدا، جهاد و پیکار، حکمت و فرزانه‌گی، فروتنی، پاکدلی، امیدواری، شکرگزاری، معاشرت، صبر و شکیبایی، صدق و راستی، مهمان‌نوازی، عدل و داد، پاکدامنی، علم و دانش، عمل صالح، رستگاری، دادگری، موعظه و وفای به عهد (فریدتنکابنی و سجادی، ۱۳۶۱: ۱۴۵). در این نگاه، اخلاق به صفات پسندیده‌ای مانند بخشش و صفات مثبتی مانند امانتداری اطلاق می‌شود.

اخلاق به مثابه امر اجتماعی

ارزش‌های اخلاقی ابعاد مختلفی دارند؛ مانند ارزش‌های اخلاقی فراگیر (شامل صداقت، درستکاری، مسئولیت‌شناسی و تعهد)، اصول رهبری اخلاقی (عدالت، انصاف در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و اعتمادسازی)، ارزش‌های اخلاقی فرهنگی؛ مانند صداقت، راستگویی و یکرنگی اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی اجتماعی؛ مانند درستکاری، خیرخواهی، کمک به دیگران و گذشت. ارزش‌های اخلاقی اقتصادی، مانند امانتداری، پایبندی به قول و قرار و ارزش‌های اخلاقی سیاسی (مانند انصاف و عدالت). (حاجیانی، ۱۳۹۳: ۷۷)

محور دیگر اخلاق اجتماعی به مثابه امر اجتماعی، تعهد اجتماعی است. تعهد اجتماعی عبارت است از: التزام درونی به ایفای هرچه بهتر نقش اجتماعی؛ یعنی فرد نسبت به اجرای نقش اجتماعی خود، احساس تکلیف کند، آن را درونی سازد و برای اجرایش، تمامی توان خود را به کار گیرد. بر این اساس، مواردی همچون: وفای به عهد و پایبندی به قول،

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۲۷

وقت‌شناسی، وجدان کاری، نوع‌دوستی و احساس مسئولیت، داشتن تعهد در برقراری ارتباط کلامی با دیگران (صداقت)، پایبندی به قوانین و مقررات جامعه، احساس مسئولیت در حوزه مربوط به دانش، احساس تعهد در قبال خسارت احتمالی و پایبندی به تعهدات مالی در برابر دیگران، از مصادیق مهم تعهد اجتماعی است (همان: ۳۶). مفاهیم مرتبط با این موضوع عبارت‌اند از: ۱) نوع‌دوستی که شالوده زندگی اجتماعی و به معنی نیرو یا انگیزه معطوف به منفعت دیگران است؛ نوع‌دوستی، عملی است که طی آن، فرد از آرامش و آسایش خود می‌کاهد تا رفاه و آرامش دیگران را افزایش دهد. ۲) مسئولیت اجتماعی یا هنجاری که بر اساس آن باید به افراد نیازمند، بویژه کسانی که به ما وابسته هستند، بدون هیچ چشمداشتی کمک کرد. ۳) همدلی یا خود را به جای دیگران گذاشتن و از نظر دیگران به اطراف نگرستن ۴) اعتماد، باور قوی به اعتبار، صداقت و توان افراد و ۵) وظیفه‌شناسی، به معنی توجه و تعهد موشکافانه به جزئیات.

اخلاق به مثابه پیشرفت

همه داورها درباره «درست» و «نادرست» یا «بهتر» و «بدتر» به برخی از هدف‌های مورد علاقه انسان اشاره دارند. تا چند قرن پیش، هدف بیشتر مردم، حفظ و نگاهداری مقولات زیستی به همان صورت پیشین خود بود چنان که تبلور آن را می‌شد در بازگشت به زندگی روستایی مشاهده کرد. اما گاه این مفهوم از زمان حال گذشته محور به درون آینده‌ای خیالی و مبهم فرو می‌گلتد و به سوی هدفی روی می‌کند که شناخته شده نیست. هدفی که تنها از راه تجسم اندیشه چگونه زیستن انسان در جامعه‌ای بایسته به وجود می‌آید. با چنین اندیشه‌ای از شدن و پیشرفت است که علم اخلاق به حقیقت انسانی نزدیک و به درستی آغاز می‌شود.

گفت‌وگو از علم اخلاق، بدون آگاهی از راستای حرکت (پیشرفت) سخنی پوچ و باطل است. این علم، اخلاق را به سادگی به سطح هنجارهای جامعه و نیازهای آن برای حفظ دوام و بقای خود کاهش می‌دهد. از طرف دیگر، سخن از پیشرفت بدون تلاش و جست‌وجوی جدی برای یافتن ارزش‌های عمیق و تحقق‌پذیر انسانی، گفته‌ای فریبنده و بی‌محتواست. می‌توان دستگاه‌های خودکار و رایانه‌های بسیار مجهز و کارآمد داشت اما

۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فایده این همه چیست؟ اگر آنچه برای انسان به ارمغان می‌آورند، بازار مکاره بزرگ‌تر و پرزرق و برق‌تر جهانی، ترافیک سنگین‌تر، شهرهای پرجمعیت‌تر، ابتدال بیشتر و افراط و تفریط باشد و در عین حال چشم‌پوشی از نادیده گرفتن بخش بزرگی از مردم و رها کردن آنها در فقر و تهیدستی و ناامیدی. (سلزام، ۱۳۸۷: ۱۳۸ - ۱۳۷)

اخلاق به مثابه فرهنگ

در فرهنگ ایرانی، نقش اخلاق چیزی فراتر از خوب عمل کردن است. کارکردهای فرهنگ عبارت‌اند از: انسجام‌بخشی، قالب‌ریزی شخصیت، سازگاری و هویت‌بخشی (صالحی‌امیری، ۱۳۹۲: ۴۴). فرهنگ‌های جمع‌گرا، بر روند تأکید می‌ورزند، آبرو برایشان مهم است و عمل فاضلانه را از حقیقت مهم‌تر می‌دانند. اما فرهنگ‌های فردگرا، بر اهداف تأکید می‌کنند، در نظر آنها حقیقت امر مهم‌تری است. به‌طور کلی در شرق، عمل فضیلت‌مند عامل مهمی در اجتماع به‌شمار می‌رود. تفاوت‌های فرهنگی بی‌شمارند و بسیاری از آنها برای درک رفتار اجتماعی اهمیت دارند. سن، جنس، پیشینه خانوادگی و موقعیت فرد در نظام اجتماعی و شأن اجتماعی در برقراری ارتباط اجتماعی مؤثر هستند. در ارتباط میان فرهنگ و اخلاق، ارزش‌ها قرار دارند. ارزش‌ها، اصولی هستند که زندگی ما را هدایت می‌کنند. مفهوم اخلاق و ارزش‌ها ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. ارزش‌های اخلاقی را می‌توان عبارت از قواعد و اصولی داشت که انسان‌ها در زندگی به کار می‌گیرند تا رفتارشان را نسبت به یکدیگر منظم کنند. ارزش‌ها گونه‌ای از معیارهای فرهنگی به‌شمار می‌روند که در حیات اجتماعی، مطلوب شمرده می‌شوند. ارزش‌ها که مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی را نسبت به آنچه پسندیده است، شکل می‌دهند، تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان در جامعه هستند.

۲-۴. سنت‌های گفتاری؛ ضرب‌المثل‌ها

سنت‌های گفتاری، مجموعه سنت‌هایی هستند که در قالب کلمات و جملات اظهار می‌شوند. این سنت‌ها ریشه در اعتقادات، باورها، دانش‌ها، فلسفه‌ها، ارزش‌ها و نیازهای هر جامعه دارند. ادبیات عامیانه ارزش و اعتبار خود را از پیوندی که با جامعه و

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۲۹

واقعیت‌ها دارد، اخذ می‌کند، نه از جنبه هنری و زیباشناسی. مسئله اساسی در ادبیات عامیانه ویژگی‌های اجتماعی آن است، نه ویژگی‌های هنری (فاضلی در سایت فرهنگ‌شناسی) یکی از نمودهای اصلی ادبیات عامه، مثل است. مثل کلمه‌ای است عربی از ماده مثل بر وزن عقول به معنی شبیه بودن چیزی به چیز دیگر یا به معنی راست ایستاده و بر پای بودن. اما در اصطلاح ادبا، سخنی رایج و شایع است که به وسیله آن، حالتی را که اخیراً حادث شده و شبیه به آن است، تشبیه کنند. غرض از مثل، تشبیه امر مخفی است به چیزی آشکار و همچنین تأکید بر شناختن ماهیت شیء و موضوع است تا در دل‌ها چنان تأثیری بر جای گذارد که خود شیء یا موضوع، چنان اثری نداشته باشد. ضرب‌المثل عبارتی مختصر است که بیان مفهوم آن به شرح مفصل نیاز دارد و هر جا به موقع در سخن آورده شود، شکوه و برازندگی خاصی به کلام می‌بخشد.

ویژگی دیگر مثل، بازگویی تاریخ است. مطالعه مثل‌ها و بویژه تحلیل محتوای آنها ما را با روندهای تاریخی، تغییرات اجتماعی و برخی وقایع گذشته آشنا می‌کند. همچنین، مثل حکمت توده است. یعنی آن قدر که عامه به ایجاد آن می‌کوشند، اهل ادب از شعر و نثر در آن سهمی ندارند. از این رو امثال هر ملت، نشان از سعی فکر عوام آن ملت دارد.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، دورکیم^۱ ضرب‌المثل را بیان متراکم یک احساس، فکر و اعتقاد جمعی می‌داند که چون بین تعدادی از افرادی مشترک است به صورت قاعده درمی‌آید. دورکیم می‌افزاید؛ ضرب‌المثل‌ها، پندها و کلمات قصار و حکیمانه در بین اقوام بدوی فراوان‌تر بوده‌اند اما به موازات توسعه جوامع، کاربری و تعداد آنها کاهش یافته است؛ آن چنان که جوامع توسعه‌یافته، پس از رسیدن به مرحله پیشرفت، دیگر ضرب‌المثل جدیدی تولید نکرده‌اند و حتی همان ضرب‌المثل‌های موجودشان نیز کم‌کم از محاورات محو شده است. اگر هم بازگو شوند، مفاهیم‌شان چنان از دست رفته که دیگر کمتر کسی آنها را درک می‌کند؛ زیرا این قاعده‌های کوتاه، دیگر گنجایش لازم را برای در بر گرفتن تمامی گوناگونی‌های احساسات فردی ندارند. به همین دلیل،

1. Durkheim

۳۰. فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ضرب‌المثل‌ها و کلمات قصار وقتی می‌توانند بمانند که معانی وسیع‌تری بیابند. ذوالفقاری تعریف جامعی از مثل ارائه می‌دهد: «مثل جمله‌ای است کوتاه، گاه آهنگین، مشتمل بر تشبیه با مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ و روشنی معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون یا با تغییر جزئی در گفتار خود به‌کار می‌برند». (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۷)

اصل و منشأ امثال را می‌توان به چهار بخش ارجاع داد: وقایع مهم تاریخی که در احساسات عامه تأثیر شدید کرده است؛ حکایت‌های پندآموز و افسانه‌های شیرین و شگفت‌آور که اغلب افراد هر قوم به یاد دارند و در مواقع مناسب نقل می‌کنند؛ عادات و افعال ناشی از توهمات که عوام هر ملت دارند و آنها را منشأ آثاری می‌پندارند؛ حکم، پند و اندرزها و جمله‌های حکیمانه سودمندی که مشهور شده و مورد قبول عامه قرار گرفته‌اند. (آقاجانی و جعفرزاده، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

۴-۳. تحلیل محتوای گذشت در ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها، عنصر مهم ادب شفاهی‌اند و در گذشته به دلیل کاربرد وسیع‌تری که داشته‌اند نقش مهمی در بازنمایی فرهنگی ایفا می‌کرده‌اند. در این بخش، ضرب‌المثل‌های مربوط به مفهوم «گذشت» در قالب «فضیلت محور بودن»، «امری اجتماعی بودن»، «به مثابه پیشرفت» و «فرهنگ» تحلیل شده‌اند. مطالعه مثل‌های مربوط به «گذشت» نشان می‌دهد که این مفهوم در امر اجتماعی بودن و پس از آن، در محور فضیلت‌مندی، از فراوانی بیشتری برخوردار است و با فاصله‌ای معنادار نیز امر فرهنگی و پیشرفت قرار دارد.

الف) گذشت به مثابه فضیلت

در جوامع با پیشینه و قدمت تمدنی و فرهنگی طولانی، فضیلت امری مهم در خصایل انسانی محسوب می‌شود و فرد بافضیلت همواره از احترام و جایگاهی والا برخوردار است. یکی از مؤلفه‌های برخورداری از این ویژگی، داشتن خصلت گذشت

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۳۱

است. به عبارت دیگر، فردی که گذشت دارد، حیطة عمل خود را گسترده‌تر می‌کند و این ویژگی موجب می‌شود که به خصایل اخلاقی دیگری همچون بزرگ‌منشی، اصالت، حلم و صبوری، انسانیت، خردمندی، معرفت، جوانمردی و مانند آن نیز متصف شود. در ضرب‌المثل‌های مختلف، این نسبت اخلاقی (برای مثال، گذشت با بزرگ‌منشی یا گذشت با خردمندی) دیده می‌شود.

۱. بزرگ‌منشی^۱

در مثل‌های زیر نسبت گذشت با بزرگ‌منشی بازنمایی شده است. این بزرگ‌منشی در قالب واژگانی چون: بزرگان بخشنده، مهتران، فرا‌دستان (در مقابل فرو‌دستان)، سلیمان، صاحب مکنّت، بزرگان (در معنای صاحبان جایگاه والا)، سخاوتمندان، خورشیدوشان، صاحبان قدرت و... کهن‌الگوی بخشش را به نمایش گذاشته‌اند: از بزرگان عفو بوده است، از فرودستان گناه. اگر پوزش نکو باشد ز کھتر، نکوتر باشد آمرزش ز مهتر. اگر کوه نریزد درّه پر نمی‌شود. اگر مورچه بر سر سلیمان رود، عیبش نگیرند.

۲. صبوری

عاقلان جان دهند و دم نزنند

۳. کرامت

آدم باید گذشت داشته باشد
سفره‌اش همیشه پهن (گسترده) است
کی رود شیوۀ لطف و کرم از طبع کریم

۱. مرزبندی میان برخی مفاهیم مانند گذشت، بخشش، از خودگذشتگی و عفو مشکل است؛ زیرا نوعی پیوستاری مفهومی میان آنها وجود دارد. بر این اساس، این مفاهیم، مقوله‌بندی و در چهار بخش، به مثابه فضیلت، امر اجتماعی، پیشرفت و فرهنگ تقسیم‌بندی شده‌اند.

۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۴. وجدان آسوده

آدم دلش خوش باشد، بگذار نان خالی بخورد
و اشد دل کسی که سر کیسه باز کرد.

۵. صاحب همت و معرفت

بخشش تو به قدر همت توست
ای برادر ڈر به گوش من اگر چیزی نداری مرا ببر بفروش
با دوست بخیلی نتوان کرد به جانی

۶. بخشش بدون منت

آسمان شو، ابر شو، باران بیار
آینه هر چه دید فراموش می کند

۷. جواب بدی با خوبی

اگر دشمن تو را با سنگ زد و بدی کرد، تو با آس او را رام کن
اگر گِل به سرت مالید بگو ان شاء الله حناست
بکش آزار کسان و مکن آزار کسی

۸. پذیرش انسان بد

آدم خوب را همه می پذیرند شرط آن است که بد را بپذیری

۹. نرنجیدن و زود گذشتن

آزادمرد قهر کردنش به اندازه طول دماغش است

۱۰. جوانمردی

به خوبی، خوبی کردن کار هر مردی است، به بدی، خوبی کردن کار جوانمرد است
جنگ کردن اظهار مردی است و نان دادن اظهار جوانمردی

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۳۳

جوانمرد و خوشخوی و بخشنده باش
گذشت از مردانگی است

ب) گذشت به مثابه امر اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و کنش‌مندی او در اجتماع معنا می‌یابد. گذشت نیز به مثابه امری اجتماعی است که آثار اجتماعی دارد.

۱. مقبولیت

هر آن کس که می‌بخشد در میان مردم مقبولیت می‌یابد و مقبولیت نوعی امر اجتماعی است.

اهل گذشت و مسامحه خوب و ملیح‌اند
پول خوار کن و خودت را عزیز
تکه شکم را سیر نمی‌کند، محبت زیاد می‌کند
توشه مردم گرسنگی را رفع نمی‌کند، دوستی را زیاد می‌کند

۲. از خود گذشتگی

تا که از خود نگذاری از دیگران نتوان گذشت
جان چه باشد کز برای یار از آن نتوان گذشت؟

سر که نه در راه عزیزان بود / بار گرانی است کشیدن به دوش

۳. عمل متقابل

اگر خواهی که بر تو ببخشایند تو نیز بر دیگران ببخشای
به خاطر یک حرف، آدم دوست را رها نمی‌کند

۴. گشایش

بخشش، کلید در بسته است

۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۵. مسری بودن بخشش

بخشنده آب است که هرچه بیابد تر کند

۶. احسان

بخشش، کند کند دندان تیز را
به احسان توان کرد وحشی به قید

۷. پذیرش نابرابری

اگر یکی من است یکی باید نیم من شود

۸. سختگیری نکردن

اگر به هر گناهی بگیرند در روی زمین، جنبنده ای نمی ماند
اگر دو سر طناب را بکشی، طناب پاره می شود
نازنین طبع تو را از گله چون رنجه کنم، آنچه کردی بگذشت، آنچه کنی می گذرد

۹. ادعای گذشت

جود از ابر و لاف بر رعد است
برگ را در برگ ریز، از خود فشاندن جود نیست
ادعای بخشندگی می کند ولی نمی بخشد

۱۰. اولویت داشتن بخشش

پیش از آنکه به گرفتن عادت کنی، در بخشیدن پیشرو باش
جان بخشی از جان ستانی به است

۱۱. انتقام نگرفتن و کینه جو نبودن

خون را با خون نشویند
در عفو لذتی هست که در انتقام نیست

ج) گذشت به مثابه پیشرفت

۱. صلح

آشتی بعد از جنگ خوش است
آسمان آنقدر نمی‌بارد که زمین طاقت نیاورد

۲. برکت

برکت بیابان را می‌توان دید، برکت غذا را باید داد
گشاده‌دست شوی، چون گشاده داری در

۳. امید

امروز تا فردا خدا بخشنده است

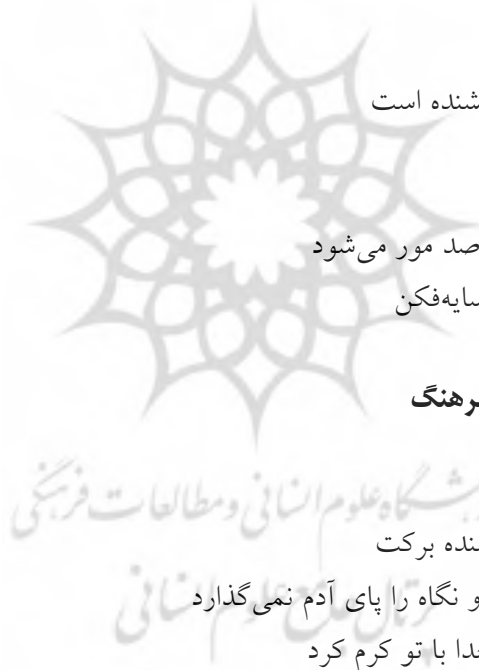
۴. نجات

برگی در آب، کشتی صد مور می‌شود
کم می‌باش از درخت سایه‌فکن

د) گذشت به مثابه فرهنگ

۱. دینی

از تو حرکت، از بخشنده برکت
خداوند یک گناه و دو نگاه را پای آدم نمی‌گذارد
با خلق کرم کن که خدا با تو کرم کرد
هر کس از جان بگذرد، آخر به جانان می‌رسد
ما را به امام رضای غریب ببخش



۲. نور هدایت

آدم باید چراغ در جلو داشته باشد نه دوزخی

۳. شرمساری با گذشت

گر گناه ببخشند شرمساری هست

گنهکاری گنه کرد و پشیمان شد ز کردارش / گنهکار پشیمان را نبخشیدن ستم باشد

۵. جمع بندی

اخلاق در تمامی جوامع از جایگاه ویژه‌ای در زیست انسانی برخوردار است. دلیل این امر را در چند موضوع محوری می‌توان یافت: نخست اینکه، اخلاق معیار زیست انسانی یا همان بهزیستی^۱ است. بدون اخلاق درک این موضوع که آیا زیست روزانه و روابط اجتماعی ما بر روال و مبنای درستی پایه‌ریزی شده، به غایت مشکل است. دو، برای اینکه بدانیم زندگی فردی و اجتماعی در گذر زمان رو به پیشرفت است یا پس‌رفت، راهی جز یافتن مبانی اخلاقی نداریم. در واقع، موضوع محوری در اینجا این است که معیار مناسب پیشرفت دایمی و پایدار^۲ جوامع، تنها در رشد و توسعه اقتصادی و فناوری نیست؛ زیرا اگر این مبانی با کسری و نواقصی مواجه باشد، پیشرفت‌های مادی و فناورانه، رضایت فردی و اجتماعی در پی نخواهد داشت. بر همین اساس، اخلاق معیار مناسبی برای پیشرفت یا پس‌رفت و در عین حال، مقایسه درون و میان جوامع است. سه، پیرو نکته دوم، اخلاقی زیستن و باور داشتن به اخلاق در زندگی اجتماعی، از نشانگان «جامعه سالم»^۳ است. اگر قرار باشد از دیدگاه یک پزشک اخلاقی به مسائل و موضوعات جاری در هر جامعه، نظر و بیماری‌ها درمان شود، باید از معیارهای اخلاقی کمک گرفت. در نهایت، الزامات اخلاقی وجه تجملی ندارد و غرض از آن، انعکاس و بازنمایی صورت فرهنگی مناسب یک فرهنگ به دیگران نیست؛

1. well-being

2. sustainable ethical living

3. saint society

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۳۷

اخلاق معیار و شاخص روابط میان فرهنگی و راه‌گریز از خشونت اجتماعی، پرهیز از هرج و مرج، کاهش کشمکش‌های اجتماعی و فراهم آوردن زمینه پویایی‌های اجتماعی برای پیشرفت است. این ملاحظات بسیار ضروری و بایسته برای پژوهش مداوم و دایمی است؛ زیرا مزایا و مزیت‌های آن جنبه موقت یا زمانمند ندارد بلکه بنیادین، فراگیر و جهانشمول برای هر جامعه در هر مرحله از زیست است.

در مفهوم گذشت به مثابه فضیلت، بر شاخص‌های بزرگ‌منشی، خردمندی، صبوری، انسانیت، وجدان آسوده، صاحب‌همت بودن، بخشش بدون منت، جواب بدی با خوبی، پذیرش انسان بد، نرنجیدن، زود رنج نبودن و جوانمردی تأکید شد است. در واقع از باب فضیلت اخلاقی «گذشت» چند وجه بسیار مهم از آن برای فرد و جامعه مترتب است: نخست اینکه، گذشت نوعی سکون نفس و آرامش خاطر برای فرد و جامعه در پی دارد. کسی که می‌بخشد، احساس آرامش درونی خود را فدای خواست بیرونی و یا مادی نمی‌کند. دو، این کار با نوعی انسانیت و رفتار انسانی همراه است. این کار دو نوع تصویرسازی را نشان می‌دهد: یکی، صبوری در قبال نامالایمات پیش رو و دیگری، همت و منش بزرگووارانه در درون و بیرون. سه، گذشت نشان خردمندی است زیرا بسیار ممکن است که تداوم یک اختلاف، تنها به فرسایش فردی و اجتماعی و بازی بی‌فرجام و ناخوشایند زیست انسانی منجر شود. خاتمه یک روال نادرست از جانب یک طرف ماجرا، خود به خود طرف دیگر را نیز از انجام کارهای بد بازمی‌دارد و این، عین خردمندی است. چهار، برای ایجاد روال مناسب اخلاقی، بخشش و گذشت باید بدون منت باشد تا تأثیر فضیلت اخلاقی را در فطرت طرف بد ماجرا شعله‌ور سازد و او را نسبت به کار ناشایست خود به تأمل وادارد و به زیست اخلاقی رهنمون سازد. پنج، پذیرش افراد بد، باعث می‌شود تا حداکثر تلاش برای بهبود زیست انسانی، صورت گیرد و زمینه بهبود اخلاقی جامعه و پیشرفت و رشد آن فراهم آید. اگر قرار باشد روال نفی و نهی از انسان‌های بد تداوم یابد، چگونه می‌توان بخشی از جامعه را از خطر نجات داد، ضمن اینکه هزینه ممانعت اجتماعی و کنترل اجتماعی افراد، امکان بازپروری اخلاقی را در جامعه فراهم می‌سازد. در نهایت، طی این روال که نوعی

جوانمردی، خلوص نیت و زمینه‌های رفع ناهنجاری اجتماعی را در پی دارد، تماماً از نشانگان خردمندی و حکمت ریشه‌دار ایرانی برای بهزیستی است.

وجه دوم گذشت به مثابه امر اجتماعی، اشاره به مقبولیت، از خودگذشتگی، عمل متقابل، گشایش، مسری بودن بخشش، جلوگیری از پلشتی، پذیرش نابرابری اجتماعی، سختگیری نکردن و ایجاد تساهل، اولویت یافتن بخشش و پرهیز از انتقام و کینه‌جویی دارد. در واقع، این کار به نوعی، وجهه عمومی اجتماعی فرد بخشنده را مقبول می‌سازد. دو، فرد بخشنده به طریقی الگوی رفتار اجتماعی قرار می‌گیرد که خود سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. سه، از خودگذشتگی ضرر یک طرف ماجرا نیست، بلکه عمل متقابل را ایجاد می‌کند. چهار، گشایش مشکلات اجتماعی را در پی دارد. پنج، نوعی تساهل اجتماعی و پذیرش برخی روال‌های شاید ناگزیر اجتماعی همانند نابرابری را با بخشیدن کاهش می‌دهد و در نهایت، آتش انتقام و کینه‌توزی را در جامعه مهار می‌کند؛ چیزی که می‌تواند هر جامعه‌ای را به نابودی بکشاند.

گذشت به مثابه پیشرفت، با خود صلح و برکت و امید و نجات به همراه دارد و این چیزی است که تنها در روال عملی اجتماعی مورد توجه نیست؛ بلکه دین و فرهنگ ایرانی نیز آن را نور هدایت فرد و جامعه نه تنها در دنیا که در عقبی می‌داند. در واقع، رضایت خداوند در رضایت هم‌نوع و هم‌وطن است. به این معنی، تمامی ابعاد فردی، اجتماعی، پیشرفت و فرهنگ، از این مفهوم اخلاقی حمایت می‌کنند و آن را برای حیات و ممانت جامعه ایرانی ضروری می‌دانند. این ابعاد و وجوه و روال‌های مکمل، نشان می‌دهند که چرا گذشت به عنوان امری مهم و اساسی در زیست انسانی، تا این اندازه در میان ایرانیان مورد توجه بوده است.

تحلیل مفهوم گذشت در ضرب‌المثل‌های ایرانی ❖ ۳۹

منابع

- قرآن کریم

- آشوری، داریوش (۱۳۸۰). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. جلد ۱ (ویراست سوم). تهران: آگه.
- آفاجانی، حسین و سوده جعفرزاده (۱۳۹۱). درآمدی بر مردم‌شناسی؛ نماد، نشانه، هنر و ضرب‌المثل‌ها. تهران: علم.
- ایروانی، جواد (۱۳۸۴). «خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث». مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۷.
- بورونی، علی (۱۳۸۶). «آموزه‌های اخلاقی در مثنوی معنوی». فصلنامه اخلاق، شماره ۸.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی اخلاق (تحلیل وضعیت اخلاق اجتماعی در جامعه ایران). تهران: جامعه‌شناسان.
- حسومی، طاهره؛ نوشین فرد، فاطمه؛ حسینی بهشتی، ملوک‌السادات؛ بابالحوائجی، فهیمه؛ حریری، نجلا (۱۳۹۷). «مطالعه مفاهیم اخلاق اجتماعی قرآن کریم به منظور مقوله‌بندی آیات». فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۹.
- حیدرپور، زهرا؛ نصرافهانی، زهرا؛ مسجدی، حسین (۱۳۹۶). «بررسی آموزه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی». فصلنامه زبان و ادب فارسی، شماره ۳۱.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی (۲ جلد). تهران: علم.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). «بررسی ساختار ارسال مثل (بجای در ارسال مثل و تفاوت آن با برخی گونه‌ها و ساختارهای مشابه آن)». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. دوره ۴، شماره ۱۵.
- سلزام، هوارد (۱۳۸۷). اخلاق و پیشرفت (ارزش‌های نوین در جهان انقلابی). ترجمه مجید مددی. تهران: ثالث.

❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فرهنگ
مردم
ایران

شماره ۳ زمستان ۱۳۹۹

- شیروانی، علی (۱۳۷۸). **اخلاق هنجاری**. تهران: کانون اندیشه جوان.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۹۲). **آسیب شناسی فرهنگی در ایران**. تهران: ققنوس.
- صانعی دره بیدی، منوچهر (۱۳۷۸). **فلسفه اخلاق در تفکر غرب**. تهران: فافا.
- طاطیان، سمیه (۱۳۹۳). «بازتاب آموزه های اخلاقی نهج البلاغه در اشعار و مثل های فارسی». **پژوهشنامه نهج البلاغه**، سال ۲، شماره ۸.
- عقداپی، تورج و آریان، حسین (۱۳۹۴). «نگاهی به برخی آموزه های اخلاقی - تعلیمی شهریار». **پژوهشنامه ادبیات تعلیمی**. سال ۷، شماره ۲۸.
- فریدتنکابنی، مرتضی؛ سجادی، محمدصادق (۱۳۸۰). **اخلاق از دیدگاه قرآن و حدیث**. چاپ ۱۰، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- محمودیان، محمد رفیع (۱۳۸۰). **اخلاق و عدالت**. تهران: طرح نو.
- میرمحمدی، فریده (۱۳۹۰). «اخلاق اجتماعی از منظر امام رضا(ع)». **رشد آموزش علوم اجتماعی**، شماره ۵۲.
- نصیری، منصور (۱۳۸۶). «مؤلفه های از اخلاق اجتماعی پیامبر اکرم(ص)». **فصلنامه اخلاق**. شماره ۸.
- نوریان، سیدمهدی؛ قریشی، مهسان (۱۳۹۴). «آموزه های اخلاقی گنج شایان اثری تقلیدی از گلستان». **پژوهشنامه ادبیات تعلیمی**، سال ۷، شماره ۲۸.
- هادیان رسنانی، الهه و کوثر بصام (۱۳۹۵). «تجلی قرآنی بایسته های اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه». **اندیشه و حدیث**، شماره ۲.
- هوشنگی، حمید (۱۳۹۷). «نسبت سنجی هویت جمعی ایرانیان و ارزش های اجتماعی؛ بررسی یک پیمایش». **فصلنامه مطالعات ملی**. سال ۱۹، شماره ۴.